

## در مورد اعتراضات کارگران فولاد اهواز

گفتگو با پویان پروزاز کارگران این مجتمع ، صفحه ۲



### فقر قانونی و سازمانیافته

مهران محبی ، صفحه ۴

### غارت عمر کارگران با افزایش سن بازنشستگی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی ، صفحه ۷

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد قطعنامه پارلمان اروپا علیه اعدامها در ایران

صفحه ۶

### از جنبش "سه شنبه ها علیه اعدام" حمایت میکنیم صفحه ۶

### کارزار نه به اعدام و معلمان - شهلا دانشفر صفحه ۹

### نظرسنجی: ۷۵ درصد سرنگونی طلباند - کاظم نیکخواه صفحه ۱۰

### اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز و تجمع کارگران ذوب آهن فولاد خزر در گیلان

صفحه ۳

### تجمعات بازنشستگان مخابرات و تامین اجتماعی در چندین شهر صفحه ۱۰

### ادامه تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه دوم پارس جنوبی صفحه ۳

### تجمع اعتراضی با شکوه کارگران ارکان ثالث در مقابل وزارت نفت در تهران صفحه ۳

### از مدیای اجتماعی

کانون انجمن های صنفی ترمزی در برابر حق خواهی کارگران

صفحه ۱۴

محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته: چرا اعدام؟ چرا کشتن؟

محبوبه فرحزادی، صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۱۸

۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

### تصمیم را باید بازنشسته

بگیرد نه سیاستگذار

یاشار سهندی، صفحه ۵

### در تقابل با احضار ۹ معلم

معرض

شهلا دانشفر، صفحه ۹

### کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده: کارگر کمونیست

صفحه ۱۱

### اخبار هفته: کمیته

سازمانده واحد خوزستان

حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۳

### تجمعات بازنشستگان

کشوری در اهواز، کرمانشاه،

یزد

صفحه ۸



## در مورد اعتراضات کارگران فولاد اهواز گفتگو با پویان پرواز کارگران این مجتمع

**کارگر کمونیست:** کارگران فولاد در هفته های اخیر اعتراضات و تجمعات متعددی داشته اند که بازتاب اخبار آن در رسانه ها بسیار گسترده بود. اگر ممکن است ابتدا در مورد این اعتراضات اخیر توضیحاتی بدهید.

**پویان پرواز:** اعتراضات اخیر ما در سال ۱۴۰۲ از آبان ماه آغاز شد. سال های زیادی است که ما خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بوده ایم اما بانک ملی بارها با فریبکاری سعی کرد به این خواسته ما تن ندهد. طبقه مطالبه طرح طبقه بندی مشاغل در راستای خواست افزایش دستمزدها قرار دارد که خواستی سراسری است. از اواخر سال ۱۴۰۰ پاسخ مدیران شرکت به خواسته ما همیشه این بود که در حال تدارک اقدام های اولیه برای اجرای طرح هستیم، یک بار گفتند مشاور طرح انتخاب شده و در حال بررسی و ارزیابی مشاغل است، بار دیگر گفتند مبالغی به صورت علی الحساب به حسابتان واریز می کنیم تا طرح تکمیل شود و هر دفعه سعی شان این بود که ما را به اصطلاح سر بدوانند.

قبل تر از آن هم گفته بودند که اجرای طرح طبقه بندی مشروط به تشکیل شورای اسلامی کار است و به این بهانه می خواستند یکی دیگر از ابزارهای همدست با سرکوب و استعمار را به ما تحمیل کنند که البته پاسخی که از ما دریافت کردند باعث شد برای همیشه فکر تشکیل شورای اسلامی کار را فراموش کنند.

ما برای رسیدن به این حق خود هزینه های زیادی داده ایم. دهها نفر از ما بابت اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی بارها به مراجع قضایی و امنیتی احضار شدند و نهایتاً هم تعدادی از همکاران مان از کار تعلیق شدند، که پس از ماهها بلا تکلیفی به جز همکار عزیزمان کریم سیاحی که بابت مطالبه گری خود با حکم ظالمانه اخراج مواجه شد باقی همکاران به کار بازگشتند. نهایتاً امسال در تاریخ ۱۷ آبان اعتراض مان را با خودداری از رفتن به رستوران بخش ها و دریافت نکردن غذا آغاز کردیم.

این اعتراض را سه روز ادامه دادیم و بیستم آبان بعد از آن که خط های تولید را خوابانیدیم، با جمعیت زیادی از همکاران معترض جلوی دفتر مدیرعامل جمع شدیم و ضمن اعتراض به این رویه همان جا درباره این که چگونه اعتراض و اعتصاب را ادامه دهیم به صورت جمعی با هم گفتگو و تصمیم گیری کردیم.

تاکتیک اعتصاب های اختطاری چند ساعته و تجمع جلوی دفتر مدیرعامل هم سه روز ادامه پیدا کرد. زیر فشار این اعتصاها مدیریت اعلام کرد مبلغی بصورت علی الحساب پرداخت و طرح را با حقوق دی محاسبه و پرداخت خواهد کرد. اما به جای اجرای طرح، در ساعات پایانی شب یکم دی علی محمدی مدیرعامل دستور ممنوع ورودی ۲۱ نفر از همکاران به شرکت را صادر کرد. این تصمیم مدیرعامل دیگر هیچ جای شک و شبهه ای برای ما باقی نگذاشت که نه تنها قصد ندارند طبقه بندی را اجرا کنند بلکه می خواهند با کارگران مطالبه گر هم شدیدترین برخوردها را اعمال کنند تا ما مجبور به عقب نشینی از حق مان شویم. غافل از این که در گروه ملی یک سنتی رایج است که کارگر وقتی با رفتار توهین آمیز از طرف مدیران دست نشانده مافیایی مواجه میشود بی هیچ عذر و بهانه ای آن مدیر و عواملش را از کارخانه بیرون می کند و این بار محمدی را از شرکت بیرون کردیم.

بلافاصله بعد از این اقدام هفده نفر دیگر از همکاران ممنوع ورود شدند. یک سنت دیگر هم در گروه ملی وجود دارد و آن بستن درب های شرکت است. سوم دی ماه در اعتراض به ممنوع ورودی همکاران و خلف وعده در اجرای طبقه بندی، تولید همه بخش ها متوقف شد و با خروج از شرکت درها هم بسته شدند. راهپیمایی اعتراضی یکی دیگر از اقدامات ما بود که در طول اعتصاب هر روز آن را تا میدان بقایی انجام می دادیم.

این اعتصاب هشت روزه باعث شد این بار در توافقی رسمی ما بین شرکت، نماینده بانک ملی، نمایندگان استانداری، فرمانداری و اداره کار با نمایندگان کارگری، همه ۳۸ نفر تعلیق شده به کار بازگردند و اجرای طرح طبقه بندی هم برای کارگران قراردادی و پیمانکاری شرکت شفق بطور همزمان به اجرا درآید.

با وجود این توافق و واریز مبلغ ده میلیون تومان علی الحساب، باز هم کارشنکی و وقت کشی ها آغاز شد. سوم بهمن یک بار دیگر اعتصاب کردیم و این بار اعتراض مان را از محیط کارخانه به سطح خیابان های شهر بردیم. این اعتصاب هفت روزه منجر به توافقی جدید شد و مدیریت نمونه از از فیش های حقوقی که طبقه بندی در آن لحاظ شده بود منتشر کرد و نهایتاً با اعلام پایان مشروط اعتصاب به کار بازگشتیم.

**کارگر کمونیست:** مهمترین مطالبات کارگران چیست و تا چه حد توانستند به آن دست یابند؟

**پویان پرواز:** اجرای کامل طرح طبقه بندی، همسان سازی دستمزدها با شرکت های فولادی همجوار و خصوصاً شرکت فولاد اکسین که عمده سهام آن متعلق به گروه ملی است، برخورداری کارگران پیمانکاری شفق از مزایای طبقه بندی، قراردادی شدن همکاران شفقی و بازگشت به کار کریم سیاحی از خواسته های مهم ما بودند. میتوانم بگویم موفق شدیم به نیمی از مطالبات دست پیدا کنیم.

هم اکنون طرح طبقه بندی برای قراردادی ها و پیمانکاری ها به اجرا درآمده، هر چند که ما کماکان به نحوه اجرای آن و آیتیم های دستکاری شده و دغلكاری مدیریت معترض هستیم و این اعتراض همچنان ادامه دارد.

همکار اخراجی ما هم به کار بازگشته است و الان مطالبه همسان سازی و قراردادی شدن کارگران پیمانکاری را مقابل خود داریم و مطمئنیم با خرد جمعی و اتحاد عمل می توانیم برای این مطالبات به مبارزه ادامه دهیم.

**کارگر کمونیست:** کلاً بنظر شما دستاوردهای این اعتصاب و اعتراضات چه بود و چه تاثیری در میان کارگران داشته است؟

**پرویز پویان:** فارغ از دستاوردهای مادی، اعتصاهاها اخیر یک بار دیگر همه ما را با وجود اختلاف نظرهایی که ممکن است وجود داشته باشد، حول مطالبات مشخص مان متحد و یکدل ساخت. این اتحاد همه تلاش های سرکوبگرانه را عقب زد.

در اعتراضات قبلی حراست و مدیریت تلاش شان این بود تا به واسطه بی تامینی و شرایط ناامن قراردادهای یک ماهه از نیروهای پیمانکاری، جنبه مخالفی علیه نیروهای قراردادی تشکیل دهند. اما این بار تیرشان به سنگ خورد و تفرقه افکنی ها و تهدیدهای حراست علیه کارگران پیمانکاری شفق، نتوانست مانع از اتحاد و همدلی ما شود.

همفکری و بهره بردن از خرد جمعی با برگزاری مجمع عمومی یکی دیگر از دستاوردهای ما است. به جرات می توان گفت هیچ تصمیم و نظری بدون دخالتگری جمعی اتخاذ نشد، انتخاب نمایندگان مورد اعتماد، تعیین مباحث مورد مذاکره، شکل گیری و آغاز اعتصاب، نحوه ادامه آن و پایان گیری های اعتصاهاها همه و همه با دخالت جمعی و گفتگوهای گروهی صورت گرفت.

## تجمع اعتراضی با شکوه کارگران ارکان ثالث در مقابل وزارت نفت در تهران



مطالبات سراسری کارگران در نفت است. علاوه بر کارگران ارکان ثالث کارگران رسمی نفت در روزهای مختلف هفته در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت تجمعات خود را برگزار میکنند. از اعتراضات و مبارزات کارگران نفت باید فعالانه حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ بهمن ۱۴۰۲، ۶ فوریه ۲۰۲۴

اعتراضات کارگران ارکان ثالث در نفت گسترده تر شده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) امروز ۱۷ بهمن این کارگران در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت در تهران تجمع و اعتراض کردند. کارگران فریاد میزدند: "زندگی با عزت، حق مسلم ماست!".  
اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل بدون تبعیض و عادلانه، بهره مندی از بن - کارت و نفت-گاز کارت، بهره مندی از خدمات رفاهی اجتماعی تحت پوشش صنعت نفت و بهره مندی از تسهیلات بانکی با مبالغی همسان با سایر ارکان استخدامی نفت.  
این کارگران در روز گذشته نیز برای سومین روز از پنجمن هفته اعتراضات متوالی خود در پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع داشتند. مطالبه حذف پیمانکاران و افزایش دستمزدها



اعتراضات در نفت گسترده است و هم اکنون بخش های مختلف شاغل در این مرکز کلیدی کارگری در اعتراضند. مطالبه حذف پیمانکاران و لغو انواع قراردادهای موقت کاری از سوی کارگران نفت حمله ای به ساختار ضد کارگری در صنعت نفت و در بسیاری از مراکز کارگری است. این مطالبات دامنه اش فراتر از نفت است و بخش عظیمی از کارگران را در بر میگیرد. از مبارزات کارگران نفت وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۹ بهمن ۱۴۰۲، ۸ فوریه ۲۰۲۴

## ادامه تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه دوم پارس جنوبی

این هفته هر روز اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت جریان داشته است. بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) این کارگران در پالایشگاه دوم پارس جنوبی صبح روز گذشته هجدهم و امروز نوزدهم بهمن ماه در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. این تجمعات علیرغم فضای امنیتی و تهدیدات حراست و مدیریت برگزار شدند.  
اعتراضات کارگران ارکان ثالث سراسری است. یک تجمع بزرگ آنها در این هفته در برابر وزارت نفت بود. اهم مطالبات این کارگران عبارتست از: حذف کامل شرکتهای پیمانکاری واسطه تامین نیروی انسانی، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از مزایا بدون تبعیض در پرداخت، مانند گاز کارت و بن کارت و استفاده از امکانات رفاهی - اجتماعی برابر با سایر ارکان نفت و... می باشد.

## اعتصاب مجدد در گروه ملی فولاد اهواز و تجمع کارگران ذوب آهن فولاد خزر در گیلان



حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۳ بهمن ۱۴۰۲، ۱۲ فوریه ۲۰۲۴

بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد ایران صبح امروز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در اهواز با توقف خطوط تولید برخی بخشها و تجمع مقابل ساختمان معاونت امور اجتماعی، دست به اعتراض زدند. این اعتراض در پی مهلت چند روزه کارگران به مدیریت برای اصلاح ایرادات موجود در برخی آیتم های مربوط به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همینطور خواست همسان سازی دستمزدها برابر دریافتی شرکتهای فولادی همجوار صورت گرفته است. در همین رابطه روز شنبه ۲۱ بهمن نیز کارگران بخشهای مختلف این مجتمع کارگری در حرکتی اختطاری دست به اعتصاب زده بودند.  
در این روز همچنین کارگران ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به تعطیلی کارخانه و تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع و اعتراض زدند. این کارگران با تجمع در مقابل استانداری رشت پیگیر مطالباتشان شدند.



## فقر قانونی و سازمانیافته - مهران محبی



گردان از کودک گرفته تا جوان و بزرگسال ایرانی به اصطلاح استخدام می شوند. از نظر این کاسه لیس حکومتی، زباله گردان و بخصوص کودکان زباله گرد تا زمانی که برای پیمانکاران فعلی کار می کنند، استثمار می شوند و به محض اینکه به استخدام پیمانکار معتمد شهرداری درآیند دیگر استثمار نمی شوند و تمام دسترنج خود را دریافت می کنند. یک شیادی از نوع اسلامی!

می گوید: این افراد به استخدام شرکت پیمانکار در می آیند. اما نمی گوید که این به زعم خودش گونی به دوشان طبق چه نوع قراردادی استخدام می شوند؟ اصلا قراردادی هست و اگر هست، قرارداد موقت یا رسمی است؟ بیمه خواهند شد یا نه؟ اگر آری، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی خواهند بود یا بیمه کارکنان دولتی؟ در حالیکه هیچ بیمه ای کودکان و افراد دارای بیماری و معلولیت را بیمه نمی کند و بیش از یک سوم از زباله گردان کودک و بیمار و ناتوان هستند، معلوم است که ادعای استخدام زباله گردان فقط یک عوامفریبی و حقه شارلاتانی از نوع همیشگی حقه بازان حکومتی است.

مطابق سیاستها و اقدامات بنیادی و همیشگی حکومت در تفرقه اندازی میان بخشهای جامعه و مخصوصا ضدیت با مهاجران رنجدیده و محروم افغانستانی، در این طرح مافیائی نیز برای مهاجران افغانستانی حتی زباله گردی هم روا نمی دارند و از این طریق یورش سازمانیافته ای به مهاجرین را ترتیب خواهند داد و ضرب و شتم آنها توسط اراذل و اوباش حکومتی و افراد ناآگاهی که تحت تأثیر تبلیغات نژادپرستانه قرار می گیرند را موجه و قانونی می کنند.

باندهای مافیائی حکومت از هر بدبختی و نکبتی که بر سر جامعه آورده اند، به دنبال سودبری و بهره گیری اقتصادی هستند. دیدن کودکان، زنان و مردان رنگ پریده و تکیده ای که در میان سطل های زباله و مکانهای جمع آوری زباله به دنبال پلاستیک و ضایعات قابل بازیافتی که در افزایش می توانند پول ناچیزی از مراکز خرید زباله دریافت کنند، می گردند نه تنها وجدان و شرافت نداشته شان را جریحه دار نمی کند، بلکه پولها و درآمدهای صدها میلیارد تومانی ماهانه ای که این رانده شدگان از شان و مرتبت انسانی قرار است برایشان حاصل کنند در اذهان فاسدشان به تصویر در می آیند.

شرایط زندگی و کلا زندگی میلیونها کودک کار و زباله گرد و زنان و مردان دچار فقر مطلق و گرسنگی و بیماری و اعتیاد که بسیاری از آنها حتی سرپناهی برای آرام گرفتن و تحدید قوا ندارند، برای سران دزد و چپاولگر حائز هیچ اهمیتی نیست. آنچه برای این جانان اهمیت دارد نیروی فوق العاده ارزان و گاه مجانی آنها است که حالا موضوع داغ رقابت با سردستانان و باندهای مافیائی غیر حکومتی شده است.

جمهوری اسلامی اگر طی 44 سال گذشته هیچ یک از جنایات هولناکی که مرتکب شده است، انجام نمی داد و تنها جرم اش بوجود آوردن همین پدیده زباله گردی بود، صدها بار سزاوار سرنگونی است.

این حکومت باید سرنگون شود تا جامعه روی خوشی و سعادت ببیند.



"ما ظرفیت استخدام ۵۰۰۰ گونی به دوش را داریم!" این صحبت رضا محمدی مدیر عامل دزد و مافیائی سازمان مدیریت پسماند تهران است.

این اعلام آمادگی محمدی البته بر طبق تصمیم از پیش گرفته شده است. او در گزارشی که "اقتصاد ایران" منتشر کرده است، دلایل تصمیم گیری برای اقدام به چنین کاری را اینگونه توضیح می دهد: "قبلا انتقال زباله ها از یک منطقه شهرداری تا منطقه تخلیه در آزادکوه، از دست ۱۳ پیمانکار رد و بدل می شد.... بعضی از زباله گردها با شهرداریها هیچ گونه قراردادی ندارند، مافیای زباله گردی کودکان را استثمار می کنند....دیگر اجازه نمی دهیم مافیای زباله از کودکان بهره کشی بکنند.... ما مافیای زباله گردی داریم که زباله دزدی و زباله گردی می کنند و بر اساس ماده ۱۶ مدیریت پسماند می توانیم با آنها برخورد کنیم". وی اضافه می کند: "ما همه زباله گردها را استخدام می کنیم و برای پیمانکار (به گفته محمدی فقط یک پیمانکار مجاز خواهد بود) هم الزام گذاشته ایم که باید از نیروی انسانی ایرانی با حقوق طرح طبقه بندی مشاغل بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان با ۸ ساعت کار استفاده کند". بنا به گفته این مهره مافیائی شهرداری، بین ۴۲۰۰ تا ۴۷۰۰ زباله گرد در تهران وجود دارند و این مزدور با برخوردی شارلاتانانه از ظرفیت بیش از حد نیاز کارآفرینی در شهرداری که همان مافیای زباله و سواستفاده های کلان از کار فوق العاده ارزان و خارج از حسابرسی کودکان و بی پناه ترین آدمهای این جامعه است، می گوید.

هر بازدمی که از دهان سران و مهره ها و مزدوران نظام مافیائی بیرون می آید بوی تعفن و کثافتی ازش متصاعد می شود که شرایط زندگی بیش از ۸۰ میلیون انسان را طی 44 سال گذشته به انحاء مختلف بیزار کننده کرده است.

قبل از هر بحثی پیرامون ادعای موضوع استخدام زباله گردان و نحوه استخدام آنها، قانونی کردن و رسمیت بخشیدن به فقر و بهره کشی و استثمار از توان و جسم از رمق افتاده و حتی از تن های رنجور و بیمار کودکان و زنان در شرایط ناایمن، غیربهداشتی و آلوده به انواع میکروبهای عفونی توسط حکومت دزدان و مافیایا باید مورد اعتراض شدید و سراسری قرار بگیرد و خواهان محاکمه و مجازات سردستانان مافیایا شد.

جمهوری اسلامی یکی از نادر حکومتهایی است که به این آشکاری و با وقاحت تمام چنین شرایطی از زنده ماندن که خارج از شان انسان امروزی است را بدیهی و مجاز می داند و در حال قانونیت بخشی و رسمیت دادن به آن است.

فقر، گرسنگی، بی خانمانی و زباله گردی پدیده ای منطقه ای یا کشوری نیست که فقط در کشوری مثل ایران به خاطر حاکمیت مافیائی و دزدسالار جمهوری اسلامی بوجود آمده باشد. این پدیده دردناک اجتماعی زائیده نظام سرمایه داری است و بدون از میان برداشتن آن، هیچیک از جلوه های ضد انسانی موجود از میان نخواهند رفت. امروزه صدها میلیون گرسنه و بی خانمان در جهان و از جمله در آمریکا مهد سرمایه و صنعت و تکنولوژی وجود دارند که مواد غذایی و پوشاک مورد نیاز زندگی فلاکتبارشان را از داخل سطل های زباله بیرون می کشند. اگرچه دولتهای سرمایه داری در حوزه اقتصادی ادعا می کنند که بی طرف هستند و فقط وظیفه نظارت بر امور و رابطه سرمایه دار و کارگر به عنوان نیروهای اجتماعی درگیر در تولید کشورشان را دارند، و با این توجیه بر اوضاع بی خانمانها و گرسنگانی که مولود نظامهای تحت حراست و پاسداریشان است چشم می پوشند، اما به خاطر پائین آوردن حساسیتهای اجتماعی نسبت به جوانب مخرب نظامشان بر زندگی مردم ضمن اذعان فضل فروشان و متکبرانه به وجود ناهنجاریها، سعی می کنند با ربط دادن آنها به عوامل ذهنی، ارادی و تربیتی و ناکافی بودن کوشش ها در زمینه جامعه شناسی برای رفع چنین معضلاتی، یقه نظام اقتصادی خود را رها کنند، نه اینکه به فکر رسمیت دادن به آنها باشند.

حالا جزئیات طرح محمدی برای استخدام ۵۰۰۰ گونی به دوش در تهران:

محمدی مدعی است که این طرح برای ممانعت از بهره کشی از کودکان است، اما در طرح استخدام، به گفته خودش پیمانکار مورد تأیید را ملزم به استخدام همه زباله گردان غیر از اتباع خارجی که همانا مهاجران افغانستانی هستند، کرده اند. یعنی همه زباله



ندارند." و تمام مسئله همین جمله آخر است.

کافی است یک نگاه خلاصه وار از نوع ویکی پدیا به سازمان تامین اجتماعی داشته باشید تا مشخص شود با پول اعضای این سازمان چگونه به یک غول عظیم سرمایه گذار تبدیل شده است که

نمونه معروفش "شتتا" است. بانک رفاه کارگران، شرکت هیکو، سهامی ذوب اصفهان، پالایشگاه نفت لاوان، هلدینگ درمان، شرکت سرمایه گذاری خانه سازی، و...؛ سرمایه گذاریهای سود آور دیگری است که با کسر از دستمزد کارگر شکل گرفته و ما کمتر از آن میشویم. خطاب این سه کارشناس اما به آن ۴۵ میلیون عضو این سازمان نیست که با کسر از دستمزد آنها چنین غولی شکل گرفته بلکه به "سیاستگذار" است و دست مریزاد گفتن بابت قانون افزایش سن بازنشستگی. ایشان هم سخت باور دارند "اصلاحات به نقطه اصلی و درستی اصابت کرده است." این سه کارشناس در بی شرمی از آن نماینده کنونی مجلس اسلامی که مدعی است کارگران بازنشسته زیاد عمر میکنند و خرج روی دست دولت میگذارند و کلا چه معنی دارد به کسی که کار نمیکند پول پرداخت کرد! چیزی کم ندارند.

ادعای های این سه تن اینچنین است: "در نظام ایران جوانها پول می دهند و صرف هزینه کهنسالان می شود." این "کهن سالان" که از نظر ایشان سربار هستند یک زمانی جوان بودند و نیروی جوانی و زندگی شان در استعمار سرمایه داری تلف شده است و از آنها بابت بازنشستگی از حقوق شان پول کسر شده است. اما حالا در کهنسالی ایشان هزینه اضافه هستند! ایشان معتقدند: "با وجود عدم انکار فساد (در صندوق های بازنشستگی)، سهم قوانین سخاوتمندانه بازنشستگی بسیار بیشتر" در بحران موجود صندوق بازنشستگی نقش دارد. و یا اینکه: "... قوانینی مثل سن بازنشستگی، سخت و زیان آور بودن تعداد زیادی از مشاغل، حقوق بازنشسته ها (منظور بعد از فوت بازنشسته) که قوانین آن بسیار سخاوتمندانه است و خود حق بیمه که متناسب با سن پایین تر تعیین شده است..."؛ حال این افراد با این نگاه به شدت ضد انسانی به کارگر و بازنشسته خود را موظف میدانند از بین عواملی چون، عدم رشد اقتصادی و نبود اشتغال و فساد دولت و قوانین سخاوتمندانه بازنشستگی بگویند: "سهم کدامیک از این عوامل (در بحران صندوق تامین اجتماعی) بیشتر است." "چهل و پنج سال اخیر ثابت کرده است وقتی امور کسی که کار میکند به دست کسانی سپرده شود که تنها و تنها به فکر سود سرمایه داران هستند، رفاه کارگران آخرین چیزی است که به آن حتی فکر هم نمی شود. کارشناسان اقتصادی با پراندن اصطلاحات "اصلاح رگولاتوری" و "روش پیچ یا هیبریدی" یا "نظامهای ترکیبی بیمه ای" سعی در پیچاندن موضوع دارند که گویا فقط ایشان و سیاستگذاران باید رشته امور در دست داشته باشند

حقیقت این است برای حکومت اسلامی صندوقهای بازنشستگی و در این مورد صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی، حکم گاو صندوق حکومتی پیدا کرده است که دست به غارت و وسیع آن زده است. چه به شکل عدم پرداخت بدهی دولت به این صندوق چه به شکل بالا کشیدن مستقیم اموال این صندوق. اما اینکه فساد و دزدی در این صندوقها در شکل وسیعی در جامعه مطرح شده است بخاطر این است که بازنشستگان چند سالی است که دیگر ساکت ننشسته اند و معترض به وضعیت موجود شده اند. این اعتراضات بنوبه خود منجر به شکل گیری جنبش بازنشستگان شده که ظاهراً حکومت گوشش بدهکار اعتراضات این جنبش نیست. هر چند در یک مورد در سال ۱۴۰۱ مبارزات بی وقفه بازنشستگان به موفقیت رسید و منجر به برکناری وزیر شد. اما در این میان اتفاق مهمی که شکل گرفته است این است که اعضای این صندوقها اکنون خود را صاحب حق میدانند و میخواهند در تصمیم گیریها نقش داشته باشند یا در واقع تصمیم گیری اصلی باید با ایشان باشد که با حق عضویت ایشان صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی به یک غول اقتصادی تبدیل شده است. اعضای این صندوقها بیش و پیش از هر

## تصمیم را باید بازنشسته بگیرد نه سیاستگذار

### یاشار سهندی

مستمری بازنشستگی یک حق است، حقی است که به قیمت گزاف یک عمر کار و تحمل تحقیر چون بر پیشانی ات زده اند تو کارگر هستی، بدست آمده است. مستمری بازنشستگی بذل و بخشش حاکمان نیست، پول کارگر است. مستمری بازنشستگی پولی است که کارگر پیشاپیش پرداخته تا روزی در زمانی که توان کار کردن ندارد، به او برگردانده شود، دستمزدی که به حداقل ترین مقدار ممکن به کارگر برگردانده میشود، اما آنرا "هزینه سربار" محسوب میکنند. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با منت تمام برای پرداخت عیدی بازنشستگان، به رقم شرم آور دو و نیم میلیون تومان اشاره کرده و مدعی میشود: "در حال تامین منابع هستیم و ان شاء الله تا دهم اسفندماه عیدی پرداخت می شود (!!!)؛ کارگران در ایران با تصمیم سازان و سیاست گذارانی روبرو هستند، که نتیجه کارشان قانونی کردن ردالت است.

طبق قانون توسعه هفتم این حکومت قرار است از ابتدای سال ۱۴۰۳ اجرای قانون جدید بازنشستگی عملی گردد. طبق این قانون، کارگرانی که زیر ۱۵ سال سابقه کار دارند سن بازنشستگی ایشان به ۶۵ سال سن و ۳۵ سال سابقه کار افزایش یافته و بقیه کارگران که بالای ۱۵ سال سابقه کارند ترتیبی داده اند (به جز کارگران که ۲۸ تا ۳۰ سابقه کار دارند) که هر جور هست باد این قانون ضد کارگری با روش ملایم تری بقول آقایان "اصلاح رگلاتوری" (تلاش برای کنترل به قصد اصلاح!) دامن ایشان را بگیرد. کاربدستان حکومت اسلامی به نظر برخی هر چقدر هم "ناکارآمد"، اما در زمینه ارزان سازی کارگر بسیار کارآمد بوده است. قانون افزایش سن بازنشستگی آخرین دست آورد این مثلاً "ناکارآمدی نظام" است.

اقتصاددانان، از آنانی که در خدمت مستقیم حکومت اسلامی هستند، تا آن دکتر اقتصادی ای که از حکومت رانده شده و آن استاد اقتصادی که بدلیل "ناکارآمدی جمهوری اسلامی" به اپوزیسیون رژیم اسلامی سرمایه تبدیل شده، رضایت خاطر خود را برای قانون افزایش سن بازنشستگی اعلام داشته اند. بهر حال ایشان هر چقدر هم با هم اختلاف داشته باشند و با هم تحت عنوان "هم اندیشی" دعوا کنند، نهایتاً اما به مانند دعوای دو برادر که ممکن است در دعوا گوشت هم را بخورند، اما استخوانهای هم را دور نمی اندازند!

سه نفر از این آقایان در یک "نشست نقد و نظر" که توسط روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد ترتیب داده شده به "بررسی کارشناسی و آسیب شناسی صندوقهای بازنشستگی" پرداختند. یکی از ایشان مدیرکل سابق امور بنگاهها و خصوصی سازی سازمان برنامه و بودجه است. دومی اقتصاددان (خشک و خالی!) است و سومی کارشناس ارشد رفاه و تامین اجتماعی معرفی شده است. به روایت این روزنامه دلیل این نشست این بوده که: "بحران صندوقهای بازنشستگی سنوات گذشته به عنوان یک معضل مهم همواره در اقتصاد ایران مطرح بوده است. ضرورت بررسی این امر به دلیل گره خوردن میلیونها نفر در زمان بازنشستگی و پس از سالها کار کردن به این بخش است. با اینکه کارشناسان بارها برای اجرای سریع تر اصلاحات به سیاستگذار هشدار داده اند، اما مواجهه با این بحران بارها به تعویق افتاده است." "خب ابتدا به ساکن به نظر میرسید ایشان نگران "معیشت و رفاه میلیونها نفر در زمان بازنشستگی پس از سالها کار کردن" هستند. اما آنچه از این نشست تحویل شما میدهند جز تایید تباهی حاکم برای بازنشستگان نیست. به روایت ایشان سازمان تامین اجتماعی به وقت خودش سازمان مدرنی بوده است و علمی اداره می شده، اما بعد بدست جمهوری اسلامی همه اینها از بین می رود: "دولت که تا پیش از این نقش رگولاتور را برعهده داشت، خود جای کارفرمای بدعهدی را گرفت که به اصول پایبند نبود. ... دولت در حال حاضر به سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک صندوق پر ارزش نگاه کرد که می توانست در مواقع کمبود منابع از آن استفاده کند. در سالهای پیش از انقلاب این سازمان حدود ۲۰ میلیون نفر عضو داشت که این تعداد امروز به ۴۰ تا ۴۵ میلیون نفر رسیده است؛ اما این افراد هیچ نقشی در اداره این سازمان

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد قطعنامه پارلمان اروپا علیه اعدام‌ها در ایران



فعالیت‌های گسترده‌ای صورت گرفته که در هفته‌های اخیر در داخل و خارج کشور علیه اعدام شروع شده است و به همین دلیل خواهان اقدامات جدی‌تری علیه جمهوری اسلامی است. این قطعنامه جنبش علیه اعدام را یک گام دیگر تقویت خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ضمن استقبال از این قطعنامه بر بایکوت جمهوری اسلامی تأکید میکند. جمهوری اسلامی بدلیل آنچه در این قطعنامه آمده و بدلیل آپارتاید جنسیتی و جنایات بی‌شمار و سیستماتیک دیگر علیه مردم باید از کلیه مجامع جهانی بیرون انداخته شود و سفارت‌های آن در همه کشورها برچیده شود.

زنده باد جنبش رو به رشد علیه اعدام

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ بهمن ۱۴۰۲، ۹ فوریه ۲۰۲۴

پارلمان اروپا در قطعنامه تندی در روز ۸ فوریه (۱۹ بهمن) اعدام‌ها در ایران بویژه اعدام محمد قبادلو را محکوم کرد و خواهان آزادی همه محکومین به اعدام و زندانیان عقیدتی در ایران شد.

پارلمان اروپا در این قطعنامه که شامل ۱۱ بند میباشد ضمن اشاره به ۸۰۰ اعدام در سال ۲۰۲۳ و قتل بیش از ۵۰۰ نفر با هدف سرکوب جنبش زن زندگی آزادی، خطر اعدام قریب‌الوقوع ۱۱ زندانی و استفاده از دیپلماسی گروگان‌گیری به عنوان ابزار سیاست خارجی، اعدام معترضان توسط جمهوری اسلامی، که مترادف با قتل حکومتی است، و استفاده گسترده از شکنجه از جمله خشونت جنسی و عدم دسترسی به امکانات پزشکی را محکوم کرده و خواهان لغو احکام اعدام و لغو کامل مجازات اعدام شده است. پارلمان اروپا همچنین خواهان قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی، اعمال تحریم‌های بیشتر، از جمله نسبت به رهبر، رئیس‌جمهور و دادستان کل جمهوری اسلامی و نیز اتخاذ یک استراتژی جدید و جسورانه از طرف اتحادیه اروپا در مورد جمهوری اسلامی از جمله مقابله با دیپلماسی گروگان‌گیری شده و از دول عضو خود خواسته است که از تجدید ماموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران و هیات حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی در نشست آتی شورای حقوق بشر سازمان ملل حمایت کنند و پیگرد جنایی مقامات جمهوری اسلامی که ناقض جدی حقوق بشر بوده‌اند را از جمله با استفاده از اصل "صلاحیت قضائی جهانی" universal jurisdiction در دستور بگذارند.

صدور این قطعنامه در واکنش به افزایش تعداد اعدام‌ها و همچنین تحت تأثیر

### از جنبش "سه شنبه ها علیه اعدام" حمایت میکنیم

از سوی زندانیان زندان قزلحصار حرکتی با عنوان "سه شنبه ها علیه اعدام" یا سه شنبه های سیاه کلید خورده است. این فراخوانی است به گسترش حرکت و مبارزه علیه اعدام‌های وسیع حکومت منفور اسلامی که امسال رکورد اعدام‌های سالهای اخیر خود را شکسته و در یک سال گذشته حدود ۸۰۰ نفر را اعدام کرده است. اعدامها معمولاً در سه شنبه ها انجام میشود و صدای اذان از بلندگوهای زندان، طنین مرگ و جنایت است که به اطراف پراکنده میشود.

زندانیان اعلام کرده اند از این پس هر سه شنبه در اعتراض به اعدام ها، دست به اعتصاب غذا خواهند زد. نهاد دادخواهان در حمایت از این اقدام جسورانه زندانیان در قزلحصار فراخوان داد که ضمن اعتراض هر روزه علیه اعدام و با برافراشتن پرچم نه به اعدام در تجمعات اعتراضی، سه شنبه هر هفته را به روز اعتراض همگانی علیه اعدام تبدیل کنیم. نهاد دادخواهان در فراخوان خود خواستار شد که همراه با زندانیان قزلحصار با به راه انداختن تجمعات اعتراضی، طوفان های مجازی و اعتصاب های اختطاری و با هر شیوه اعتراضی دیگر به مبارزات خود علیه اعدام انسجام بیشتری ببخشیم.

در راستای این فراخوان ها روز سه شنبه هفدهم بهمن ماه اعتصاب غذای زندانیان قزلحصار دامنه اش به دیگر زندانها از جمله به اوین، سقز، کرج و مشهد کشیده شد. گوهر عشقی مادر جسور و رزمنده دادخواه، این سمبل برجسته اعتراض علیه اعدامها که پسرش ستار بهشتی بدست جانباں اسلامی در زیر شکنجه به قتل رسید، فراخوان به اعتصاب سراسری علیه اعدامها را داده است.

جنبش علیه اعدام در ایران وارد فاز جدیدی شده و به جنبشی گسترده و اجتماعی برای نجات جان انسانها و برای هموار کردن مسیر انقلاب زن زندگی آزادی بدل شده است.



حزب کمونیست کارگری از حرکت زندانیان در زندان قزلحصار پشتیبانی کرده و همصدا با نهاد دادخواهان کل جامعه را به تبدیل سه شنبه ها به روزی سمبلیک برای حرکت اجتماعی گسترده به اشکال مختلف علیه اعدامها و علیه حکومت اعدام فرا میخواند. سه شنبه ها را به روز اتحاد مبارزاتی سراسری علیه اعدامها تبدیل کنیم. ما همه مردم را به پیوستن به جنبش علیه اعدام فرا میخوانیم. حکومت اسلامی با توسل به جنایت و اعدام میخواهد به سیستم چپاول و تخریب و جنایتکارانه‌اش ادامه دهد و فضای رعب و سرکوب را بر جامعه حاکم نماید. متحدانه دست در دست هم علیه آدمکشان حاکم به مقابله برخیزیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ بهمن ۱۴۰۲، ۹ فوریه ۲۰۲۴

از صفحه ۵

### تصمیم را باید ...

کسی حق تصمیم گیری در مورد اداره آنرا ندارند. آنچه تصمیم سازان و کارشناسان اقتصادی را نگران کرده آگاهی شکل گرفته است که خود را به صورت اعتراض در کف خیابان نشان میدهد. صندوق های بازنشستگی مال کارگران است و ایشان باید حرف اول و آخر در مورد چگونگی اداره آن را بزنند.





## غارت عمر کارگران با افزایش سن بازنشستگی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

غارت و چپاول دسترنج کارگران و مزدبگیران اشکال متفاوتی دارد. از جمله کاهش دستمزد، بالا بردن ساعات کار، اضافه کاری و غیره. افزایش سن کار یا سن بازنشستگی آخر خط این غارت است که بعد از عمری کار کارگر قرار است چنین به استهلاک کشیده شود. البته تنها در ایران نیست و حتی در بسیاری از کشورهای سوپر صنعتی هم اتفاق می افتد. این تعرض در هر کجای جهان که باشد؛ رذیلانه ترین و کثیف ترین حربه صاحبان قدرت و سرمایه برای به یغما بردن عمر مزدبگیران است. عبارت ساده تر آنان راضی به در آرامش زیستن و استراحت کردن آفرینندگان ثروت و پول نیستند؛ که البته اگر بشود اسم بازنشستگی را گذاشت استراحت و فراغت. و چنین چیزی صحت داشته باشد و اتفاق بیفتد.

اخیراً وزیر کار (آقای صولتی) در یک مصاحبه تلویزیونی گفته است: "علت اصلی افزایش سن بازنشستگی این است که میانگین نرخ امید به زندگی افزایش یافته و به همین دلیل ضریب پشتیبانی صندوق های بازنشستگی کاهش یافته است. اگر به این روند پیش بروند، صندوق ها در آینده نزدیک قادر به جوابگویی به ذینفعانشان نخواهند بود." قبل از هر چیز باید متذکر شد که یکی از تکنیک های عوامل رژیم، تغییر واژگان به منظور دست بردن به مفاهیم و سراسر علوم اجتماعی است. در این مورد به جای متوسط طول عمر، عبارت "نرخ آمد به زندگی" را عنوان می کند. این دو مقولات متفاوت و کارکردها و جایگاه های متفاوتی دارند. نه تنها از بی سوادگی که از شایعی امثال "صولتی" های دزد است. (در سوابق ایشان دزدی و همکاری در سرکوب های سیاسی موجود است) تا با زدن نعل وارونه بتوانند از مهلکه جامعه بگریزند.

یکی دیگر از معانی این اظهارات این است که، این جماعت انگل به این جمع بندی رسیده اند که، احتمالاً بخشی از عمر مزدبگیران از دسترس استثمارگران خارج شده و می بایست به گونه ای آن را تصاحب کرده و به مصرف برسانند. چون در این صورت -بالا بردن سن بازنشستگی- یکی از نتایج حاصله، مرگ زودرس (یا حین کار و یا بلافاصله پس از بازنشستگی) مزدبگیران و به جیب زدن دسترنج چندین و چند ساله آنان، که به غلط مستمری نام گذاشته اند، خواهد بود.

کیست که نداند! طی سال های اخیر نه تنها ضریب طول عمر بالا نرفته بلکه با افزایش فقر، بیکاری، گرانی افسار گسیخته، تورم سرسام آور و اپیدمی های مرگ آور (کرونا، وبا و ...) و دیگر فشارهای اقتصادی و محرومیت از دسترسی به شرایط زندگی استاندارد مانند تغذیه سالم و مکفی (سوء تغذیه بیداد می کند)، بهداشت، مسکن و دیگر شروط زندگی انسانی که ضامن عمر طبیعی انسان است کاهش هم یافته است. و بخاطر همه این محرومیت ها طی سالهای سال از زندگی "متوسط طول عمر" گروه کثیری از اقشار و طبقات جامعه سیر نزولی و تأسف باری را به خود گرفته است. از همین بستر می توان گفت وقتی شرایط زیستی روز بروز بدتر و نامناسب تر می شود؛ چگونه است که میل به زندگی افزایش یافته؟ افزایش غم انگیز خودکشی ها و پایان دادن به زندگی در میان کودکان، پزشکان و متخصصان رشته های درمانی، در میان کارگران و مزدبگیران! آیا نشانه افزایش میل به زندگیست؟! جالب است بدانید، این اراجیف را حتی کارگر نماها و تشکلهای دست ساز خودشان (علیرضا محجوب، دبیر خانه کارگر) هم باور نکردند. یکی از نمونه ها انتشار 30 هزار امضاء از سوی شوراهای اسلامی کار برای توقف این مصوبه بود که در روزهای اخیر منتشر شد.

نکته دیگری که قابل تأمل است، رجوع به آمار با قیافه ای حق بجانب از سوی آقای وزیر کار و ایادی زیر دست شان است. در طول ۴۴ سال حکومت ننگین

جمهوری اسلامی در ایران، یکی از مواردی که همواره کتمان، پنهان و یا دروغ پراکنی شده، مقوله "آمار" است. شما در هیچ زمینه ای قادر به دسترسی به آمار واقعی و علمی نیستید. چنانکه گفته شد، یا اجازه تهیه آمار ندارید و یا می بایست به اظهارات و تأکیدات و توصیه های فلان مرجع رسمی (وزرا یا دبیرخانه های آنان) متوسل شوید. کلیه مراجع آماری در ایران زیر نظر مراجع امنیتی - اطلاعاتی و در ثانی، مراجع دولتی است. در نتیجه هیچ گاه نمی توان به اعداد و ارقام برآمده از سیر علمی و منطقی رجوع کرد و تنها باید به حدس و گمان پناه برد.

دلیل دوم آقای صولتی و نمایندگان مجلس که در جلسه علنی ۲۸ آذر این ماده را به تصویب رساندند "به منظور کاهش ناترازی صندوق های بازنشستگی" و "تقویت توان صندوق ها در انجام تکالیف محوله"، اعلام شده است. قبل از هر چیز نگاهی به این عبارت "نا ترازگی" که از همان قبیل فرهنگ سازی های شیادانه جمهوری اسلامی بیاندازیم. منظورشان از "نا ترازگی" یعنی اینکه نسبت پرداخت کنندگان حق بیمه با دریافت کنندگان آن همخوانی ندارد. یعنی اگر ۵ میلیون در یافت کننده حقوق بازنشستگی هستند، عددشان بیشتر از نسبتی است که حق بیمه می پردازند. توجه داشته باشید که اکثر این حقوق بگیران، تقریباً 30 سال بخشی از دسترنج شان در صندوق های بازنشستگی ذخیره شده تا در این دوران هزینه زندگی شان شود. حق بیمه هایی که در زمان خود معادل یک سکه تمام ارزش داشته اند، و اکنون معادل ۴ یا ۵ برابر کمتر از قیمت یک سکه باز پس می گیرند.

این دروغ های وقیحانه، خصلت نمای رژیم دزدان و غارتگران است چرا که جامعه را از دست یافتن به حقوق طبیعی خویش دور دارد. از علت های اصلی این عدم توازن نمی گویند. حق بیمه کارگران و مزدبگیران و مالیات حقوق شان، از درآمدهای مستقیم و بدون واسطه ای است که هر ماه، بدون برو و برگرد از حقوق آنان کسر می شود. اما کسانی که این سهم را نپرداخته و باعث این عدم توازن شده اند؛ نه عدد زیاد حقوق بازنشستگی بگیران، بلکه دولت ها به مثابه بزرگترین کارفرمایان هستند که از پرداخت سهم بیمه و مالیات حقوق سرباززده و بدهی شان نزدیک به 900 هزار میلیارد تومان می شود. یکی دیگر از علل کمبود در صندوق ها دزدی های آشکار از این منبع بی انتهایی ثروت "یا مفت" است که از دست رس صاحبان اصلی آن دور و تنها در دسترس همین شیادان برای غارت آن است. یکی دیگر از دلایل این کسری ها، سرمایه گذاری های پنهان در مراکز که سودشان هیچ گاه به مرجع آن بازنگشته و یا شرط بندی بر روی اسب های بازنده ای است - که عمدتاً از خویشان و وابستگان حاکمان هستند- که این ثروت حاصل از دسترنج میلیون ها زحمتکش را بر باد داده اند.

یکی از امیدها و پیش بینی های طراحان دولتی و تصویب گران "مجلس دزدان اسلامی" این است که در مسیر اجرایی شدن این طرح - که گفته شده از فروردین ۱۴۰۳ آغاز می شود-، "از این ستون به آن ستون است فرج است" برای غارت بیشتر است. این نظر شاید مغرضانه بنظر آید؛ اما برای من کارگری که شاهد هر روزه



از صفحه ۷

## غارت عمر کارگران با افزایش ...

کنار مطالبات رادیکال و فوری ما از نظیر بالا بردن سطح دستمزد هم سطح هزینه ها به دلار، خدمات درمانی و بهداشتی استاندارد و ... یکی از خواست ها و تلاش های ما مزدبگیران می بایست، از دسترس خارج کردن این منابع مالی از دست عوامل رژیم و تسلط و کنترل تمامی صندوق های بیمه و بازنشستگی توسط شوراهای نمایندگان واقعی کارگران و مزدبگیران عرصه های مختلف است.

تاکید دیگر پرداخت تمامی بدهی ها و معوقات بیمه و مالیات از سوی دولت و نهادهای تولیدی و تجاری و مالی است. البته بدهی است که تنها زمانی بوقوع می پیوندد که ما مزدبگیران فشار لازم برای اجرای این خواسته را اعمال کنیم. همسان سازی حقوق بازنشستگان در کنار بیمه همگانی و مکفی برای تمامی نیروهای کار در جامعه یکی از اصلی ترین خواست های ما است و این شعار را باید در رأس مطالبات مان قرار دهیم.

رفقای همدرد، روزهای اخیر شاهد پیروزی و پیشروی هایی در صنعت نفت و گروه فولاد بوده ایم. جا دارد که همه ما مزدبگیران در جایگاه های مختلف و در سراسر ایران، دست بدست هم داده و با تمرکز بر روی ایجاد شوراهای محیط کار خود و اتحاد با دیگر شوراهای مبارزاتمان را گسترش دهیم تا هر چه زودتر عامل و ریشه اصلی این همه فلاکت و بی حقوقی را از میان برداریم. با اتحاد مبارزاتی مان به کل این بساط توحش و بردگی پایان دهیم.

۲۲ بهمن ۲۰۲۴



داشت.

در یزد بازنشستگان در برابر کانون بازنشستگان کشوری استان تجمع داشتند و با شعار "اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد"، کل جامعه را به مبارزه متحد فراخوانده و فریاد میزدند: "ی دولت دروغگو! حاصل وعده هات کو؟!"

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها از جمله مطالبات اعلام شده بخش های مختلف بازنشستگان است. تشکلهای بازنشستگان از جمله امضا کنندگان بیانیه ده تشکل در اعتراض به اعدام ها و سرکوب ها هستند. از خواستها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ بهمن ۱۴۰۲، ۶ فوریه ۲۰۲۴

کارشکنی ها و دست بسر کردن های زیادی در ادارت و سازمان های بازنشستگی بوده ام، آنچنان هم بیراه نیست. عوامل رژیم به این امید دارند که تعداد زیادی از ما تا قبل از رسیدن به سن بازنشستگی و یا در سال های ابتدایی این دوره، نفسی برای ادامه زندگی نخواهیم داشت. دولت برای دریافت سهم بیمه از ما هیچ مشکلی ندارد و قبل از دریافت مزدمان، سهم خود را کسر می کند. اما مرور زمان شدن سنوات بازنشستگی، بخصوص به این دلیل که سوابق و پرداختی ها بدرستی صورت نمی گیرد؛ همواره بضرر ما بوده و این یکی از دلایل آشکار بی کفایتی این دستگاه برای کنترل و تسلط بر این صندوق ها است.

آنچه که آن را "بحران در صندوق ها" می نامند، کمتر و محدود شدن لغت و لیس از این خوان ثروت برای خویش است، چرا که در صورت پرداخت این ذخایر به صاحبان اصلی - یعنی مزدبگیران -، بزم خود، چیز دندان گیری برای خویش نمی یابند. از طرفی تقاضا برای دست بردن به این "منبع پایان ناپذیر ثروت" زیاد است و بر سر "تملک" و تسلط بر آن چه سر و دست ها که نمی شکنند. برای اینکه تعداد زیادی از عوامل رژیم دسترسی به منابع مالی حاصل از فروش نفت، گاز، معادن و دیگر درآمدها را ندارند. در نتیجه این صندوق از منابع قابل توجه و با ارزش برای مفتخوران و دزدان است. چرا که، تا رسم خرید نیروی کار بخصوص از نوع خاموش و ارزان آن برپاست، این منبع "لا یزال" پر و پیمان است.

به این دزدی های عریان باید پایان داد. اما چگونه؟!

چیزی که تقریباً همه کارگران و مزدبگیران در آن توهمی ندارند و خواستار تغییر در این وضعیت هستند، کنترل و در اختیار دستگاه های دولتی و وابستگان رژیم بودن این صندوقهاست که خود بزرگترین کارفرما در ایران هستند. بقول یکی از کارگران (از همکاران شرکتی ما)؛ "مادام که گوشت به این لخمی و بزرگی (اندوخته های بازنشستگی) در دسترس انگل های حاکم است، آتش همین و کاسه همین است." در

## تجمعات بازنشستگان کشوری در اهواز، کرمانشاه، یزد

اتحاد، اتحاد، علیه ظلم و فساد

امروز سه شنبه هفدهم بهمن ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در شهرهای مختلف دست به تجمع زدند. بنا بر خبرهای تا کنونی این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اهواز، و یزد با شرکت شمار زیادی از بازنشستگان برپا شده است.

در کرمانشاه بازنشستگان علیرغم سرمای هوا مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند. و یکی از بازنشستگان بنام خان عزیز اسماعیلی طی یک سخنرانی مقامات مسئول را مورد سوال قرار داده و پرسید: "مطالباتمان چه شد؟ معوقات یک گروه از سال ۹۶ کجا رفت؟؟ چرا پرداخت نمیشود؟؟"

بازنشستگان کرمانشاه در این روز با شعارهای "نه سرما نه گرما نیست جلودارمان"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان" بر تداوم اعتراضات خود تاکید کردند.

در اهواز بازنشستگان کشوری در برابر استانداری خوزستان تجمع داشتند و با شعارهایی چون "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "کو مهار تورم دروغ نگین به مردم" فریاد اعتراض خود را علیه دزدیها و وضع بد معیشتی اعلام داشتند. در این تجمع مثل همیشه بنهایی با تاکید بر اتحاد مبارزاتی کارگران شاغل و بازنشسته و بخش های مختلف بازنشستگان و نیز خواست درمان رایگان برجستگی





## کارزار نه به اعدام و معلمان - شهلا دانشفر

معلمان به کارزار قدرتمند نه به اعدام که کارزاری با ابعادی جهانی است پیوستند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای خطاب به دانش‌آموزان، معلمان و همه مردم همبستگی خود را با این کارزار اعلام داشت. قبل از آن ده تشکل کارگری و اجتماعی و تشکل‌هایی چون سندیکای شرکت واحد، کانون نویسندگان و نهادهای؛ چون دادخواهان که در همراهی با زندانیان قزل‌حصار سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام را اعلام کرده بودند، با این کارزار همراه شدند.

”بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان با اشاره به تجربه لغو مجازات اعدام در بسیاری از کشورها که نشان داده لغو این مجازات به هیچ‌وجه سبب افزایش جرم و جنایت نشده، بر لغو مجازات اعدام تأکید دارد. در آخر بیانیه شورای هماهنگی بر بی‌ثمر بودن اعدام‌ها برای عقب زدن مردم تأکید کرده و می‌نویسد: “بدیهی است تداوم سرکوب، زندان و اعدام نمی‌تواند مانع از بیان خواسته‌های بحق مردم شود، بلکه موجب خشم، نفرت عمومی و بازتولید خشونت می‌گردد.” و این پیام کل جامعه به حکومت است.

اتحاد سراسری علیه اعدام و برای پیشروی انقلاب امروز خود را در کارزار نه به اعدام نمایان می‌سازد. با قدرت به صف این کارزار پیوندیدم. فراخوان سه‌شنبه‌های اعتراضی، فراخوان گوهر عشقی به اعتصابات سراسری، گام‌هایی به جلو در این کارزار است. به این فراخوان‌ها پاسخ دهیم و صدای رسای کارزار نه به اعدام در سطح جهان باشیم.

مندرج در ژورنال شماره ۶۴۷

در صف مقدم این کارزار دادخواهان و زندانیان در بندند. مادر دادخواه گوهر عشقی است که به دنبال اعلام اعتصاب غذا از زندان زنان اوین و بعد هم زندانیان قزل‌حصار و نیز اعتصابات سراسری در کردستان و سمیرم کل جامعه را به اعتصاب عمومی علیه اعدام‌ها فراخواند. کارزار نه به اعدام کارزاری برای نجات جان انسان‌ها از چنگ حکومت اعدام است که به اسم رمزی برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل شده است.

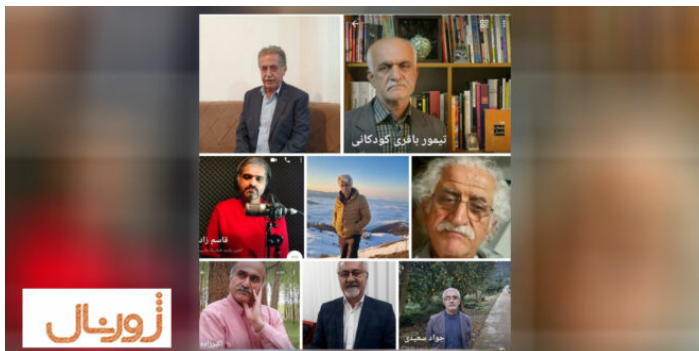
صافی قدرتمند که یک‌سرش در ایران و سر دیگرش در اقصا نقاط جهان است. کارزاری که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، هنرمندان و بخش‌های مختلف جامعه را در بر می‌گیرد. شورای هماهنگی در بیانیه خود اعدام‌های اخیر را محکوم و مجازات اعدام را عملی غیرانسانی و محصول اراده اقلیت حاکم خواند. در بخشی از این بیانیه آمده است: “هر حاکمیتی که بخواهد با گسترش مجازات و استیلای سلطه به بقای خود ادامه بدهد بر مردم مغلوبی حکومت خواهد کرد که فاقد اراده بوده و در نتیجه حتی از سقوط آن نظام و دفاع از شأن خود قاصر هستند.

## در تقابل با احضار ۹ معلم معترض - شهلا دانشفر

طبق خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ۹ نفر از معلمان معترض در استان گیلان جهت محاکمه در بیدادگاه حکومت برای ساعت ۹ صبح روز ۲۳ بهمن احضار شده‌اند. این معلمان با اتهام اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت و برگزاری تجمعات اعتراضی و تمرد به محاکمه کشیده می‌شوند. مصداق واقعی این اتهام اعتراضات معلمان علیه فقر، تبعیض و بی‌تامینی است که با فریاد “معیشت، منزلت، حق مسلم ماست” و با مطالبه تحصیل رایگان برای همه کودکان به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شد. جرم این معلمان تمرد در برابر بساط توحش و بربریت حکومت است. اسامی معلمان احضار شده به دادگاه در گیلان عبارتند از: انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، تیمور باقری کودکانی، طهماسب سهرابی، غلامرضا اکبرزاده باغبان، علی نهالی، محمدجواد سعیدی و جهانبخش لاجوردی.

لازم به یادآوری است که هم اکنون انوش عادل، محمود صدیقی پور و عزیز قاسم زاده با محکومیت یک ساله در زندان لاکان رشت بسر می‌برند.

این خبر نشانگر ادامه فشارهای سیستماتیک امنیتی بر معلمان مبارزی است که با مبارزات قدرتمندشان در سالهای اخیر حماسه آفریدند و توانستند بیش از ۲۰۰ شهر را به اعتراض بکشانند. از همین رو جمهوری اسلامی که قدرت بسیج و اتحاد مبارزاتی



معلمان را تجربه کرده است در جریان انقلاب زن زندگی آزادی و طی یکسال و نیم گذشته آنها را زیر بیشترین فشارهای امنیتی قرار داده است. این فشارها بصورت پرونده سازیهای امنیتی و صدور احکامی چون اخراج، تبعید، انفصال از خدمت، زندان و حتی محرومیت از برخورداری از همان طرح سرهم بندی شده رتبه بندی صورت گرفته است. در مقابل معلمان با کارزارهای مبارزاتی و در اشکالی چون جمع آوری طومارهای اعتراضی، دیدارهای همبستگی با خانواده‌های معلمان زندانی و همراهی کردن همکارانشان هنگام احضارها و تبدیل دادگاهها به صحنه اعتراض خود، الگویی از مبارزه علیه سرکوبگریهای حکومت بوده‌اند. معلمان از امضا کنندگان منشور خواستهای حداقلی زن زندگی آزادی بوده‌اند. در هفته اخیر نیز شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای به کارزار “نه به اعدام پیوست” و با تأکید به اینکه با سرکوب، زندان و اعدام نمیشود مانع بیان خواستهای به حق مردم شد، بلکه موجب خشم و نفرت عمومی میشود، بر لغو مجازات اعدام تأکید کرد. این جواب قاطع معلمان به سرکوبگریهای حکومت است. احضار معلمان به دادگاهها را قاطعانه محکوم کنیم و حامی اعتراضاتشان باشیم.

(مندرج در ژورنال شماره ۶۴۹)



## تجمعات بازنشستگان مخابرات و تامین اجتماعی در چندین شهر

### اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد



مخابرات همچنین به عدم اجرای آیین‌نامه سال ۱۳۸۹ معترضند. به گفته این بازنشستگان این آیین‌نامه هنگام واگذاری شرکت به بنیاد تعاون سپاه و ستاد اجرایی فرمان امام تصویب شده و مالک جدید را به پرداخت مطالبات بازنشستگان متعهد کرده است. اما هیات مدیره شرکت نه تنها از پرداخت مطالبات بازنشستگان سر باز زده بلکه سهم بازنشستگان از پرداخت حق بیمه

تکمیلی را از ۳۰ درصد به ۵۰ درصد افزایش داده، و ملحقات مستمري آنها از قبيل حق خواروبار را به بهانه نبود نقدینگی قطع کرده است. بعلاوه اینکه بدلیل بساط دزدسالار یکی از مشکلات این بازنشستگان ابهام در وضعیت صندوق تعاونی کارکنان مخابرات است که موجودی آن متعلق به کارکنان است اما سرنوشت مبالغ قابل توجهی از اعتبارات این صندوق نامشخص است و به سرقت رفته است.

در این روز همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش نیز که از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعارهای "نه مجلس، نه دولت، نیستن به فکر ملت!"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ی ما خالیه!" اعتراض خود را به وضع بد معیشتی و بی‌تامینی اعلام داشتند.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند. از خواستها و اعتراضاتشان وسیع حمایت کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۳ بهمن ۱۴۰۲، ۱۲ فوریه ۲۰۲۴

امروز ۲۳ بهمن بازنشستگان مخابرات همچون هفته های گذشته برای پیگیری مطالباتشان در شهرهایی چون تهران، اراک، کرمانشاه، قروه، رشت، ارومیه، اهواز، شیراز، اردبیل، اصفهان، میوان، تبریز و سنجندج تجمع کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود علیه فقر و فساد بر حق تجمع و اعتراض تاکید کرده و کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرا خواندند. آنها شعار میدادند: "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "بیمه بی‌فرانشیز حق مسلم ماست"، و "شرکت شده صد پاره، بخور بخور توکاره".

بازنشستگان مخابرات در تهران تجمع کرده و در محوطه نزدیکی ساختمان مرکزی شرکت مخابرات راهپیمایی داشتند و با فریاد "عدالتی ندیدیم ما دیگه رای نمیدیم" پاسخ محکمی به انتخابات حکومتی دادند. بازنشستگان با شعارهای "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، "شرکت شده صدپاره بخور، بخور، توکاره" صدای اعتراض خود را علیه بساط چپاولگری حاکم بلند کردند.

در سنجندج بازنشستگان مخابرات تجمع داشته و شعار میدادند: "وزیر بی‌لیاقت؛ ننگت باد، ننگت باد!" و "سهامدار عمده؛ ننگت باد، ننگت باد". در تبریز بازنشستگان مخابرات مقابل شرکت مخابرات تجمع کرده و با زبان ترکی شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، دوشنبه ها می آیم". در دیگر شهرها نیز بازنشستگان شرکت مخابرات در مقابل ساختمان شرکت مخابرات تجمع کرده و با در دست داشتن بنرهایی که مطالباتشان بر روی آن نوشته شده بود و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

اعتراض به فقر و بی‌تامینی و بساط دزدسالار حاکم و سرکوبگریهای حکومت موضوعات مشترک اعتراضات همه بخشهای بازنشستگان است. بازنشستگان

## نظرسنجی: ۷۵ درصد سرنگونی طلب‌اند - کاظم نیکخواه



سال‌های ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ و به‌ویژه انقلاب زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ به‌روشنی عزم مردم را برای خلاصی از این ماشین جنایت و چپاول به همگان نشان داد.

این خیزش‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است؛ اما درعین حال تمام نشده است. فضای جامعه نشان می‌دهد که مردم در این خیزش‌ها علی‌رغم هزینه‌های بسیار و قربانی شدن شمار زیادی از عزیزانشان، متحدتر و مصمم‌تر از قبل در میدان‌اند و با اعتراضات هر روزه به اشکال مختلف فضا را برای خیزش‌های بعدی و ادامه انقلاب آماده می‌کنند.

خواست‌های روشن و شفافیتی که در جامعه موج می‌زند تصویری از جامعه آینده بعد از حکومت اسلامی را به نمایش می‌گذارد که به‌طورقطع جامعه‌ای است مملو از آزادی بیان و عقیده، ضد تحجر مذهبی، ضد اعدام و زندان و شکنجه، ضد حقوق‌بگیران نجومی و سرمایه‌داران، جامعه‌ای که در آن زن و مرد برابرنند، کودکان جایگاه والایی دارند، برخورداری از رفاه حق همه است و حتی محیط‌زیست و حیوانات از نابودکنندگان محیط‌زیست خلاص خواهند شد و در امنیت به سر خواهند برد. نمایشات انتخاباتی حکومت نوک کوه یخ جنبش انقلابی را به نمایش می‌گذارد.

مندرج در ژورنال شماره ۶۵۰

نتایج یک نظرسنجی درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد بیش از سه چهارم مردم ایران قصد شرکت در انتخابات پیش‌رو را ندارند. بعلاوه حدود ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند.

نتایج نظرسنجی "نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۲" که از سوی گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) مستقر در هلند انجام شده، نشان می‌دهد که ۷۷ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند در انتخابات رأی نمی‌دهند همچنین حدود هشت درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی هنوز تصمیم قطعی در این زمینه نگرفته‌اند و فقط حدود ۱۵ درصد قصد دارند قطعاً در انتخابات مجلس شرکت کنند.

اولین مرحله از انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد و هم‌زمان انتخابات ششمین دوره مجلس "خبرگان" نیز برگزار می‌شود.

مدت‌هاست که حتی نمایشات انتخاباتی حکومتی نیز برای حکومت معضلی شده است. چون انزوا و بی‌پایگی حکومت را جلوی چشم همه می‌گذارد و روحیه پادوهایش را خرد می‌کند. شمار واقعی سرنگونی طلبان قطعاً از این نیز بیشتر است. امروز همه می‌دانند که حکومت اسلامی در واقع نیروی اشغالگری است که با زور سرکوب و زندان و اعدام حکومت می‌کند. مسئله مهم‌تر این است که این ۷۵ درصدی که خواهان سرنگونی حکومت‌اند، فقط آرزویشان سرنگونی نیست؛ بلکه مدت‌هاست که عزمشان را جزم کرده‌اند که خواستشان را عملی کنند. خیزش‌های



## کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: کارگر کمونیست

### جمعه ۲۰ بهمن

طبق خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ۹ نفر از معلمان معترض در استان گیلان جهت محاکمه در بیدادگاه حکومت برای ساعت ۹ صبح روز ۲۳ بهمن احضار شده اند. این معلمان با اتهام اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت و برگزاری تجمعات اعتراضی و تمرد به محاکمه کشیده میشوند. اسامی معلمان احضار شده به دادگاه در گیلان عبارتند از: انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، تیمور باقری کودکانی و طهماسب سهرابی، غلامرضا اکبرزاده باغبان، علی نهالی، محمدجواد سعیدی و جهانبخش لاجوردی. یک کارزار مهم معلمان اعتراض امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده های امنیتی برای معلمان و زندانیان سیاسی و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها از زندان است.

- کارگران گروه ملی در اعتراض به خلف وعده مدیریت بعد از اعتراضات قدرتمند اخیرشان، کارگران فراخوان به تشکیل مجمع عمومی داده و از مدیبات خواستار شدند که در مجمع حاضر شود و فوراً ایرادات فیش های حقوقی در خصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را رفع و اصلاح کند. کارگران تا روز شنبه ۲۱ بهمن به مدیریت فرصت دادند که در این زمینه اقدام کند. در غیر اینصورت اعتراضات گسترده خود را از سر خواهند گرفت.

### پنجشنبه ۱۹ بهمن

- کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه دوم پارس جنوبی صبح روز هجدهم و نوزدهم بهمن ماه در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. حذف پیمانکاران در راس مطالبات کارگران ارکان ثالث قرار دارد. و این یک خواست کلیدی کارگران در نفت و در سطح سراسری است.

- براساس اعلام دولت، عیدی کارمندان و بازنشستگان ۲/۵ میلیون تومان خواهد بود. معمولاً سازمان تأمین اجتماعی همین میزان عیدی را برای بازنشستگان خود در نظر می گیرد. بازنشستگان به عیدی ناچیز و حقوقهای ناچیز چند بار زیر خط فقر معترضند.

### چهارشنبه ۱۸ بهمن

- روز ۱۸ بهمن حدود ۱۵۰ نفر از کادر درمانی بیمارستانهای شهرستانهای شادگان، آبادان و خرمشهر که در آستانه تبدیل وضعیت اخراج شده اند، با برپایی تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی آبادان صدای اعتراضشان را بلند کردند. این کارکنان بعد از هشت سال سابقه خدمت و جنگ با کرونا و حکومت کرونا اکنون از کار اخراج شده اند. خواست این کارکنان دائمی شدن قراردادهای کاری شان است.

- نیروهای هنگ مرزی در نوارمرزی هنگژال با سلاح ساچمه ای به سوی یک کولبر آتش گشودند که در نتیجه آن یک کولبر به اسم ایوب محمودی اهل بانه از ناحیه پا به شدت زخمی شد. کولبران بخشی از کارگران بیکار هستند که به جان نان گلوله جنایتکاران حکومت نصیبشان میشود.

### سه شنبه ۱۷ بهمن

- بیش از دو ماه از بازداشت شریفه محمدی در منزل شخصی خود در رشت میگذرد. او همچنان در انفرادی در زندان سندنج به سر میرسد و زیر بازجویی قرار دارد. بازجویی میشود. او در چند روز گذشته تماس کوتاهی با همسر و فرزندش داشته باشد. بنا بر خبرها برای «سیروس فتحی»، همسر شریفه محمدی نیز بدلیل پیگیری وضعیت همسرش پرونده ای تشکیل شده است. شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- یک کولبر ۲۰ ساله اهل مریوان به نام فرید روینا، پس از گرفتار آمدن در برف و کولاک کوهستان، بر اثر سرمازدگی شدید جان خود را از دست داد. پیکر این کولبر جوان پس از هفت ساعت تلاش اهالی روستای ههنجیران و نیروهای اورژانس در نوار مرزی مریوان پیدا شد. کولبران بخشی از کارگران بیکار هستند که بدلیل محرومیت از هر گونه تأمین به کار کولبری مشغولند. از یکسو خطراتی چون سرمازدگی جان این کارگران دچار خطر میشود و از سوی هدف گلوله مرزبانان حکومت قرار میگیرند. همه مردم بدون درآمد و یا کم درآمد باید از حقوق پایه ماهانه در حد تأمین یک زندگی قابل قبول برخوردار باشد. هم اکنون کارزارهایی در دفاع از جان کولبران در کردستان و سوختبران در سیستان و بلوچستان جاری است. از این کارزارها حمایت کنیم.

- رضا شهابی، داود رضوی و حسن سعیدی سه فعال کارگری و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد که دوران محکومیت ۵ ساله حبس را در زندان اوین می گذرانند علیرغم وضع بد جسمانی از دارو و درمان محرومند. محرومیت زندانیان از درمان بخشی از سیاست فشار بر روی زندانیان و یک شکنجه جسمی و روحی علیه زندانیان است. رضا شهابی به دلیل جراحی های مهره های گردن و کمر در دوره حبس قبلی، و علیرغم نیاز به جراحی فوری و اورژانسی گردن با وجود درد شدید در زندان است. این درحالیستکه او از فشارخون بالا رنج میبرد. او در ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است و حتی یک روز مرخصی هم نداشته است. داود رضوی دچار بیماری های گوارشی، چشم و زانو درد است. داود رضوی پنجم مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر شده است. حسن سعید نیز دچار بیماری لته و دهان است و اکثر دندانهای خود را در زندان از دست داده است. جمهوری اسلامی در قبال جان زندانیان مسئول است. رضا شهابی، داود رضوی و حسن سعید باید فوراً آزاد و تحت معالجه و درمان رایگان قرار گیرند.

- بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در شهرهای کرمانشاه، اهواز، و یزد تجمع کردند. اجرای همسان سازی و افزایش سطح آن به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و اختلاس ها و دزدیها از جمله مطالبات این بازنشستگان است. این بازنشستگان در

- معاون امور بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی از عملیاتی شدن افزایش سن بازنشستگی مطابق قانون برنامه هفتم از اول فروردین ۱۴۰۳ خبر داد. این برنامه یک موضوع اعتراض بازنشستگان و کل جامعه است. بازنشستگان یک بخش معترض جامعه هستند و با تجمعات اعتراضی هر روزه خود مقابل سرکوبگری های حکومت

ایستاده و مطالبات خود را پیگیر هستند



## بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران "نه به اعدام"



مغلوب کند اما حکومت‌های محکوم به شکست در منتهی‌الیه عمر خود تنها راه بقای خود را استفاده از مجازات‌های خشن در دادگاه‌ها می‌دانند.

بدیهی است تداوم سرکوب، زندان و اعدام نمی‌تواند مانع از بیان خواسته‌های بحق مردم شود، بلکه موجب خشم و نفرت عمومی می‌گردد. بنابراین از حاکمیت جمهوری اسلامی می‌خواهیم بیشتر از این با اراده عمومی جامعه تقابل و دشمنی نکنند و در اسرع وقت دستگاه یکدست شده حاکمیت، اراده مردم در لغو مجازات اعدام را پذیرفته و در جهت لغو مجازات اعدام اقدام نماید.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران  
۱۶ بهمن ۱۴۰۲

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بار دیگر اعدام‌ها را محکوم کرد و خواهان لغو مجازات اعدام شد. در بخشی از بیانیه این شورا آمده است:

اعتراضات مردم ایران در سال‌های اخیر نشان از آن دارد که خواهان ایجاد تغییرات اساسی هستند، آن‌ها همواره برای رسیدن به اهداف، تحرکات مدنی و اجتماعی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌اند.

آنچه که حاکمیت آن را اغتشاش می‌خواند همانا اراده جمعی برای تغییر می‌باشد و نباید با مجازات‌های غیرقابل برگشت مواجه شود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن اقدامات و اعدام‌های اخیر اعلام می‌نماید که مجازات اعدام عملی غیر انسانی، غیرعقلانی، غیراخلاقی و از همه مهمتر محصول اراده اقلیت حاکم است که باعث وهن‌شان مردم متمدن و شریف است. تا امروز مجازات اعدام توانسته مردم ایران را



از صفحه ۱۱

## کارگران در هفته ای که گذشت ...

اهواز با شعار "مخالفان پای دار، دولت حاج ریسی" در کف خیابان علیه اعدام و سرکوب فریاد زدند.

- کارگران ارکان ثالث در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت در تهران تجمع و اعتراض کردند. کارگران فریاد می‌زدند: "زندگی با عزت، حق مسلم ماست!"

- رضا اقدسی فعال کارگری و از کارگران اخراجی شرکت ایران خودرو از دوم آبان در زندان اوین بسر میبرد. او از هفته دوم دی ماه دچار پارگی پرده گوش شده و گوش وی دچار التهاب شدید شده است. غلییرغم این رضا اقدسی از دستری به درمان محروم است. رضا اقدسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد و تحت درمان رایگان قرار گیرد. رضا اقدسی پیشتر به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی" به هشت ماه حبس و بابت اتهام "اجتماع و تبانی" به سه سال و هفت ماه زندان و در مجموع، به چهار سال و سه ماه حبس تعزیری محکوم شد. او در جریان جنبش زن، زندگی، آزادی، در پاییز سال گذشته نیز، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود به همراه همسرش، بازداشت شده بود.

- مردم اراک در اعتراض به آلودگی هوا و مازوت سوزی نیروگاه شازند برای ششمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند. مردم شعار میدادند: اراک هوا ندارد، هوای پاک حق اراک

دوشنبه ۱۶ بهمن

- کارگران ارکان ثالث برای سومین روز از پنجمین هفته اعتراضات متوالی خود در پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه تجمعات اعتراضی هفتگی خود برای پیگیری در شهرهای تیریز، ارومیه، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، بندرعباس، رشت، اهواز، کرمان، خوی، زنجان، سقز، قروه، بیجار و تهران تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان علیه مقامات مسئول، دزدی‌ها و اختلاس‌ها و در اعتراض به وضع بد معیشتی خود شعار دادند و صدای اعتراض خود را بلند کردند.

- کشاورزان اصفهان بار دیگر در اعتراض به وضعیت وخیم زندگی خود و کمبود و قطعی آب با خواست حقابه و اجرایی شدن وعده‌های داده شده دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

- کارگران نیروگاه سهند بناب بخاطر وضعیت بد معیشتی و تعویق پرداخت هشت ماه دستمزدشان اعتصاب و اعتراض کردند. کارگران اعتصابی از سوی مدیریت تهدید به اخراج شدند. اما بر پیگیری مطالبات خود تاکید کردند.

- کارگران اخراجی نیروگاه سد در اعتراض به وضعیت بد شغلی و معیشتی خود برای هشتمین روز دست به تجمع زدند. و این اعتراضات ادامه دارد.

- معلولان خود را از شهرهای سنندج، ساری، اردبیل، بجنورد، کرج، و تهران و حومه جهت برگزاری تجمع در اعتراض به وضع اسفبار معیشتی و درمانی خود به مقابل نهاد رئیس جمهوری اسلامی رساندند. اما ماموران انتظامی از برگزاری تجمع آنها در کنار این خیابان ممانعت کردند و ماموران تجمع خود را در داخل پارک پاسنور برگزار کردند. اعتراضات معلولان برای پیگیری مطالبات برحقشان ادامه دارد.

- شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه ای به کارزار "نه به اعدام" پیوست و بر لغو مجازات اعدام تاکید کرد.

تجمع بازنشستگان بر سر خواسته‌هایشان سخنرانی داشتند. یکی از این بازنشستگان در اعتراض به بیمه تکمیلی و بی‌تامینی‌ها گفت: "سوال اینست چرا بجای بیمه رایگان (ماده ۵۴)، بیمه تکمیلی به ما تحمیل شده است؟ یک مطالبه سراسری بازنشستگان بیمه رایگان است که بر روی دست نوشته‌هایشان نقش بسته است. در اهواز بازنشستگان مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی این شهر تجمع و با فریاد شعارهای اعتراضی خود تا میدان فرهنگ شهر راهپیمایی کردند.

- روز ۱۶ بهمن کارگران اخراجی نیروگاه سد دز در اندیمشک در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود برای هشتمین روز دست به اعتصاب زدند.

## ۲- خطر اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی در خوزستان

هفته پیش، شعبه دوم دادگاه انقلاب دزفول در استان خوزستان، برای محمد موسوی یک جوان ۲۳ ساله که شغل او هندوانه‌فروشی کنار جاده بود، به اتهام "بغی" (قیام مسلحانه یا فعالیت گسترده که اساس نظام را تهدید کرده باشد)، حکم اعدام صادر کرد. سید مالک (محمد) موسوی (داورشناس) متهم شده که با دوستش عباس خسرجی، یک پایگاه بسیج را در شاور، واقع در شهرستان شوش، آتش زده است جمهوری اسلامی برای عقب زدن مبارزات مردم و در هراس از سر بلند کردن دوباره انقلاب در فضای پراشتاب جامعه بر سرکوبگری‌های خود و اعدام‌ها شدت داده است. شماری از این افراد که حکم اعدام گرفته و در خوزستان هستند و عبارتند از: حبیب دریس از اهواز از منطقه کوت سید صالح، محمد رضا مجدم، علی ابیدادی، علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غیشاوی و سالم موسوی در راستای این سرکوبگری‌ها عباس منصوروی جوان ۱۹ ساله جوانی از شهرستان شوش یک هفته بعد از آزادی با خوردن قرص اعدام به خود کشی کرد و جان باخت. این اولین بار نیست که زندانیان بازداشت شده بعد از آزادی دست به خودکشی می‌زنند. عباس منصوروی به نزدیکان خود گفته بود که دور روز پیش از آزاد شدنش به او قرص داده شد و بیشتر در مدت بازداشت به او آمپول تزریق کرده اند. همه این شواهد نشانگر اینست که حکومت اسلامی قاتل عباس منصوروی است. واحد خوزستان مردم در این استان را به پیوستن متحدانه به کارزار نه به اعدام فرا میخواند.

## ۳- تخریب محیط زیست یک موضوع اعتراضات در خوزستان

جاری شدن نفت در غیزانیه اهواز در این هفته باعث آلودگی محیط زیست در بخش غیزانیه در ۳۰ کیلومتری اهواز که محل بزرگترین شرکتهای نفتی است، شده و این یک موضوع اعتراض مردم در خوزستان است.

- روز ۱۸ بهمن شماری از دوستداران محیط زیست در اعتراض به اجرای طرح مالچ پاشی که موجب آلودگی محیط زیست میشود در مقابل ساختمان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری خوزستان تجمع کردند.

## ۴- خود سوزی زنی که از خانه اش بیرونش کردند و پولش را بالا کشیدند

روز هفده بهمن یک زن جوان که صاحب خانه اش او را بیرون کرده و منزل را به کسی دیگری اجاره داده و پولش را بالا کشیده است به بنگاه مربوطه مراجعه و از شدت خشم به قصد خودسوزی بر روی خود بنزین ریخت. در این اتفاق ناگوار درحالی که بنگاه دار خواست اوضاع را آرام کند. ناگهان حرارت بخاری باعث شعله ور شدن بنزین شد و باعث آتش گرفتن مغازه و زن جوان شد. در نتیجه این زن جوان دچار سوختگی شدید ۹۰ درصد شد و اکنون در حالت کما بسر میرد. این اتفاق ناگوار از عوارض آشکار بی‌تامینی مردم و بساط دزد سالار حاکم است. داشتن مسکن مناسب حق مسلم همه مردم است.

واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری

۲۰ بهمن ۱۴۰۲، ۹ فوریه ۲۰۲۴

# از خوزستان خبر میرسد؟

۲۰ بهمن ۱۴۰۲



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

## اخبار هفته: واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری

### ۱- اخبار اعتراضات کارگری

بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدای مستقل کارگران گروه ملی بدنبال پایان مشروط و موقت اعتراض در گروه ملی فولاد اهواز بر اساس عقب نشینی‌هایی که مدیریت در برابر اعتراضات قدرتمند کارگران انجام داده بود، مدیریت زیر تمامی تعهدات خود زده است. از جمله مدیریت متعهد شده بود که آیتم‌های فریز شده را در فیش‌های حقوقی تمام پرسنل قراردادی و پیمانکاری دوباره منظور کند و طرح طبقه مشاغل با درصد ۴۰ تا ۴۲ درصد اجرایی شود. اما به گفته کارگران فیش‌های حقوق صادر شده نشان داد که مدیریت مافیایی شرکت از انجام آخرین توافقات بر سر طرح طبقه بندی مشاغل خودداری کرده و به حق کارگران دستبرد زده است در اعتراض به این مساله کارگران فراخوان به تشکیل مجمع عمومی داده و از مدیبات خواسته اند که در مجمع حاضر شود و فوراً ایرادات فیش‌های حقوقی را رفع و اصلاح کند. کارگران تا روز شنبه ۲۱ بهمن به مدیریت فرصت داده اند که در این زمینه اقدام کند. در غیر اینصورت اعتراضات گسترده خود را از سر خواهند گرفت.

- روز ۱۸ بهمن حدود ۱۵۰ نفر از کادر درمانی بیمارستان‌های شهرستانهای شادگان، آبادان و خرمشهر که در آستانه تبدیل وضعیت اخراج شده‌اند، با برپایی تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی آبادان صدای اعتراضشان را بلند کردند. این کارکنان بعد از هشت سال سابقه خدمت و جنگ با کرونا و حکومت کرونا اکنون از کار اخراج شده اند. خواست این کارکنان دائمی شدن قراردادهای کاری شان است.

- روز سه شنبه هفدهم بهمن ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته برای پیگیری اعتراضاتشان در شهرهای مختلف از جمله در اهواز دست به تجمع زدند. در اهواز بازنشستگان کشوری در برابر استانداری خوزستان تجمع داشتند و با شعارهای کوبنده اعتراضی شان صحنه پر شوری از اعتراض را آفریدند. در این تجمع مثل همیشه برهائی با تاکید بر اتحاد مبارزاتی کارگران شاغل و بازنشسته و بخش‌های مختلف بازنشستگان و نیز خواست درمان رایگان برجستگی داشت.

- روز ۱۶ بهمن بازنشستگان مخابرات در اهواز همچون دوشنبه‌های گذشته همراه دیگر بازنشستگان در شهرهای یزد و کرمانشاه با تجمع و راهپیمایی در شهر صحنه پر شوری از اعتراض را آفریدند. بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، طوفان به پا میکنیم"، "ما دیگر رای نمیدیم، از بس دروغ شنیدیم".

- روز ۱۵ بهمن صد نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با فریاد شعارهای اعتراضی خود و فریاد نه آراء، تحریم انتخابات صدای اعتراضشان را بلند کرد. در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی به همراهی شماری از بازنشستگان کشوری و مخابرات در اهواز نیز تجمع داشتند. یک بنر برجسته این تجمع با نوشته "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی" اتحاد اتحاد "بود که جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان در سطح سراسری را به اتحاد فرا میخواند. در این



## کانون انجمن های صنفی ترمزی در برابر حق خواهی کارگران

کانون انجمن های صنفی کارگران پالایشگاههای گاز استان بوشهر به مناسبت ۲۲ بهمن بیانیه ای داده است بیگانه با وضع حال ما کارگران که وخامت هر روز بیشتر وضع معیشتی جانمان را به لب رسانده است.

بیانیه ای تماماً تفرقه افکنانه که با استفاده از کلماتی چون معاندین و فرصت طلبان و... به ما کارگران حق طلب، آن هم دقیقاً در روزی که تعدادی از رانندگان شرکتهای پیمانکاری در اعتراض به نوع قراردادهاشان توسط حراست از کار تعلیق شده اند! دارد گرای امنیتی می دهد.

انجمن صنفی اتحادیه کارگری که پدیده ای دولت ساخته، موجودیت و عملکردی در جهت حفظ هرم قدرت و محافظت از دستبوسی ها و اعمال قدرت از بالا ست و طبیعتاً در تضاد با مطالبات ما کارگران است، همان رویکرد و روشی را در دستور کارش دارد که حراست و مامورین امنیتی دارد و با داعیه نماینده کارگر بودن و همراه با آن با نسبت دادن الفاظی آنچنانی به کارگران حق طلب تلاش کرده اند که صدای حق خواهی ما کارگران را خفه کنند. بغیر از همکارانمان در پارس جنوبی، همکاران دیگرمان در تهران، آبادان، مناطق نفت خیز و ملی حفاری و گچساران با پیامهایی خشم خود را اینگونه بیان نمودند که، ما کارگران شاغل در نفت دیگر از مرحله تفرقه و سرکوب عبور کرده ایم و اجازه نمیدهیم با این الفاظ ترمزی در برابر مبارزات ما باشید. خواست ما حذف پیمانکاران و مبارزه با زد و بندهای مافیایی و چپاول نفت است.

خواست ما افزایش دستمزده متناسب با رشد وحشتناک نرخ تورم و نیز داشتن زندگی خور یک انسان است. خواست ما رفع تبعیض ها و حقوق یکسان در برابر کار یکسان است. اجازه نمیدهیم که با موج سواری، مبارزات ما را این سو و آنسو بکشید و آن را امنیتی کنید. ما کارگران ارکان ثالث، رانندگان و کارگران پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری همه با هم متحدیم و تا گرفتن تمامی حق و حقوقمان به اعتراضات خود ادامه خواهیم داد و اتفاقاً بخوبی میدانیم که در پاسخ به بی احترامی هایی که همین امروز بخاطر اعتراضاتمان متوجه منزلت ماست چگونه پاسخ دهیم!... یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)  
#فقط\_کف\_خیابون\_بدست\_میا\_حقمون  
#معیشت\_منزلت\_حق\_مسلم\_ماست  
#نه\_به\_بردگی\_مزدی #اعتصاب\_اعتراض\_اتحاد  
#کانون\_اتحادیه\_صنفی\_عامل\_دولتساخته\_ضد\_کارگری  
(برگرفته از مدیای اجتماعی)



### محبوبه فرحزاردی معلم بازنشسته:

### چرا اعدام؟ چرا کشتن؟

برای چه اعدام می کنند؟ به چه دلیل زندگی انسانهای بی گناه را میگیرند.

راستی چرا بعضی ها با افتخار از چهارپایه کشیدن از زیر پای انسانی با خوشحالی یاد میکنند؟

چه راحت از اعدام میگویند درجایی که ناتوان از ساختن و برنامه ریزی در جامعه هستند.

بابود کردن چه آسان، آباد کردن از محالات

شاید زور و قدرت بتواند برای مدت زمانی جان انسانهایی را بگیرد. ولی ادامه نخواهد داشت.

اعدام نمی تواند جامعه ای را جهت اخفای حقوق به عب برگرداند.

اعدام نمی تواند صدای کف خیابان را خاموش کند.

اعدام اشد مجازات و بازتولید خشونت در جامعه است.

خشونت در یک جامعه بار تولید خشوتهای دیگر است.

اعدام، جان انسان پر از آرزو را میگیرد. آسیب میزند

خانواده ها را سوگوار میکند.

خانواده ها یا نان آورانشان را از دست میدهند و یا از هم متلاشی می شوند.

هیچ نهاد حقوق بشری، هیچ نهاد مدنی نه تنه اعدام را تایید نمی ند بلکه آن را عملی شنیع، ضد انسانی می داند

من معلم بازنشسته در کنار خانواده های اعدام شده سوگوار میشوم و همصدا با آنها: به اعدام

قوانین قرون وسطایی باید لغو شوند.

نه به اعدام همین الان

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

